

شیرجه در باتلاق! - تحلیلی از آخرین وضعیت مسئله هسته ای

ایران

چکیده: پرونده هسته ای ایران هم اکنون شرایط خاص و پیچیده ای را سپری می کند و موضوع کره شمالی و آزمایش اخیر هسته ای آن، باعث حساس تر شدن جهان نسبت به سلاح های هسته ای در آستانه برخورد تنبیهی اعضای ۱+۵ از مجرای شورای امنیت سازمان ملل با ایران شده است ، که تحلیل و بررسی آن از چند جهت ضروری می نماید.

پیش نویس قطعنامه ارائه شده از سوی سه کشور اروپایی برای تحریم ایران تند و کاملاً افراطی است و به نظر می رسد با توجه به عدم اجماع متقن میان اعضای شورای امنیت درباره مفاد آن در نهایت با تغییراتی مواجه شده و اندکی تلطیف یابد ، اما آنچه مبرهن است در صورت تصویب یک قطعنامه تنبیهی

برعلیه ایران ، " اروپا به همراه چین و روسیه وارد باتلاقی سیاسی - اقتصادی می شوند که امریکا ۳۰ سال است در آن گرفتار است "

به لحاظ ساختار تدوین و لحن حقوقی این پیش نویس حول فصل هفتم منشور سازمان ملل و فاکتورهای ماده ۴۱ آن آماده شده و براین اساس تاحدودی مشابه قطعنامه ۱۷۱۸ شورای امنیت درارتباط با آزمایش اتمی کره شمالی است و اظهارات مبهم البرادعی درگزارش اخیر وی در پایان ماه اگوست ، تأثیر استنادی در آن داشته است ، چراکه وی در اظهارتی دوپهلوی و با ابراز نگرانی اعلام داشته آژانس بین المللی انرژی اتمی در این مرحله همچنان قادر نیست ماهیت صلح آمیز برنامه ی هسته یی ایران را تایید کند.

این درحالیست که آژانس با استفاده از بهترین کارشناسان و امکانات تکنیکی خود و تهیه هزاران نمونه آزمایشگاهی از مواد موجود در تاسیسات اتمی ایران یکی از بهترین ماموریت های خود در طول حیات این نهاد را سازماندهی و اجرا کرده است .

البته این قطعنامه در صورت تصویب کامل، بیشتر ساختاری مالی و اقتصادی دارد و برخی تأثیرات آن نظیر، بی اعتباری برخی ضمانتها و اعتبارات بانکی هم اکنون قابل مشاهده است، اما از سوی دیگر و با اقدام به ممنوعیت سیاسی مسافرتهاى مقامات مسئول در پرونده هسته ای، باب مذاکرات بسته خواهد شد و صحبت از تداوم مذاکرات از سوی غرب عملاً منتفی و بی معناست.

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در این پیش نویس مبهم بودن سرنوشت نیروگاه بوشهر است که علیرغم برخی ضمانتهاى مطروحه، نامشخص است و در این صورت بعید به نظر می رسد پس از سالها انتظار و صرف میلیونها دلار، روسها در سال آینده آنرا تحویل دهند و در صورت راه اندازی نیز با مسئله ارسال سوخت مواجه می شود و مانند خودرویی بی بنزین بلااستفاده می شود!

مسئله دیگری که در این پیش نویس کاملاً ماهیتی خصمانه و سیاسی دارد و در نوع خود بی سابقه است، مخالفت با ادامه تحصیل دانشجویان ایرانی رشته

های مرتبط با علوم هسته ای و موشکی در خارج کشور است که با استناد

برمتن پیش نویس فعلی ، بسیاری از رشته ای تحصیلی را دربرمی گیرد و

نقض آشکار حقوق بشر و برخلاف کنوانسیونها و معاهدات بین المللی است .

از نقطه نظر تصویری نیز اعضای ۱+۵ ، در قبال تحریم ایران با اما و اگرهای

بسیاری روبرو هستند و در صورت حمایت از قطعنامه تنبیهی بر علیه ایران باید

تبعات آتی آنرا بپذیرند .

فرانسه ، انگلیس و آلمان به عنوان پیشنهاد دهندگان قطعنامه فوق الذکر با

درپیش گرفتن رویکرد خصمانه در قبال ایران ، منافع و فرصتهای متعددی را

درازتباط با ایران از دست خواهند داد .

بانک ها، شرکتهای نفتی و صنایع اتمییل سازی فرانسوی با استفاده از

فرصت بدست آمده از ممنوعیت انعقاد قرارداد شرکت های آمریکایی در ایران،

قراردادهای زیادی را با تهران منعقد کرده اند بطوری که سرمایه گذاری های فرانسه در ایران خصوصاً به صورت "بای بک" رشد قابل توجهی داشته است و براساس آمار تسویه حساب های بین المللی ، بانک های فرانسوی بالغ بر ۶ میلیارد دلار از ۲۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار کل اعتبارات داده شده به دولت ایران را تا سال ۲۰۰۶ در اختیار داشته اند.

از سوی دیگر، شرکتهای خودروسازی پژو، سیتروئن بزرگترین سرمایه گذاران صنعت خودروسازی ایران محسوب می شوند و شرکتهای توتال و شرکت گاز فرانسه نیز سرمایه گذاریهای کلانی تریبخش انرژی ایران کرده اند .

براین اساس و درآستانه انتخابات آتی درفرانسه ، پرواضح است که این کشور بیشتر از همتایان اروپایی خود درصورت تداوم رفتار غیرعقلانی و تحریم ایران متضرر خواهد شد .

دولت انگلستان نیز پس از اشتباهات استراتژیک خود و وارد شدن به مسئله عراق و همچنین رسوائیهای متعدد کابینه بلر، درانتخابات آینده مقبولیت خود

را برباد داه است و عدم تجدیدنظر این کشور درسیاستهای منطقه ای خود
خصوصاً در برابر ایران ، انگلیس را در اذهان عمومی در زمره دشمن درجه یک
ایران همانند آمریکا قرار می دهد .

آلمان به عنوان سومین ضلع مثلث اروپایی موافق تحریم ایران و خارج
از شورای امنیت ، نه تنها نتوانست گامی در جهت حل و فصل مسالمت آمیز
مسئله هسته ای ایران بردارد ، بلکه دولت فعلی این کشور در قبال حمایت از
تحریم ایران به دلبخش سیاسی - اقتصادی تقسیم شده است که در نوع خود
بی سابقه است و هر لحظه اظهارت ضدو نقیضی از دولتمردان این کش در
ارتباط با مسئله هسته ای ایران به گوش می رسد .

روسها و چینی ها نیز در شرایط فعلی سعی دارند از دو طرف امتیاز بیشتری
را بگیرند و اصطلاحاً " با دست پس می زنند و با پا پیش می کشند " .
براین اساس اگرچه روسیه تاکنون راجع به پرونده هسته ای ایران به صورت

مثبت برخورد کرده است ولی ظرفیت روسیه محدود است و این کشور با مسائل مختلفی از قبیل اعتبار و وجه بین المللی و همچنین تبیین استراتژیهای منطقه ای و بین المللی خود پس از فروپاشی شوروی مواجه است که قطعاً بر میزان توانمندی این کشور در مسیر پرونده هسته ای ایران تأثیر گذاشته و می گذارد. در برهه کنونی اگرچه روسیه همواره به امریکا هشدار داده است که تحریمهای شدید باعث مقاومت بیشتر ایران و از بین رفتن فرصتها برای حل پرونده فعالیت‌های هسته‌ای این کشور از طریق مذاکره می‌شود، اما تاکنون با کلیت تحریم ایران مخالفت نکرده است.

چین نیز مخالفت نیم بندی با تحریم ایران دارد که به نظر نمی رسد پایدار و مؤثر باشد. در این راستا اگرچه چین سرمایه گذاریهای متعددی در ایران انجام داده و برای تأمین انرژی نیز ایران بهترین گزینه این کشور است اما تبادلات چین و امریکا و تأثر سیاستهای این دو کشور نیز قابل ملاحظه است.

مازاد صادرات چین به امریکا ۱۵۰ میلیارد دلار است که از مجموع تولید نا

خالص داخلی ایران بیشتر است و بعید است چین از این فرصت بخاطر ایران

دست بردارد .

از سوی دیگر اگرچه روسیه و چین اعلام کرده اند اصلاحیه ای بر پیش نویس

جاری قبل از ارائه به ۱۰ عضو غیر دائم شورای امنیت ارائه کرده اند اما

مقاومت روسیه و چین در برابر امریکا در زمینه کره شمالی از میزان مقاومت

این دوکشور در مورد قطعنامه احتمالی علیه ایران کاسته است و اینرا نیز نباید

از نظر دورنگاه داشت که موضوع کره شمالی با امنیت ملی چین و روسیه گره

خورده است درحالیکه ایران برای این دوکشور بویژه برای چین از چنین

اهمیتی برخوردار نیست ، بعلاوه نباید فراموش کرد که موافقت چین و روسیه

با قطعنامه ۱۶۹۶ که بر اساس فصل ۷ منشور و ذیل مواد ۴۰ و ۴۱ آن و

درعین ناباوری ایران به تصویب رسید . بنابراین نباید نسبت به مخالفت‌های

روسیه و چین با مفاد پیش نویس و ارائه اصلاحاتی بر آن با دیده خوشبینی

صرف نگاه کرد.

انگیزه های انگلیس ، آلمان و فرانسه و مشخصاً ایالات متحده برای سوق دادن

ایران به سمت تحریم و تنبیه بسیار بیشتر از مسئله کره شمالی است و ریشه

در ساختار منطقه ای و بین المللی سیاستهای ایران دارد .

امریکا مقابله با ایران را به صورت "تحریمهای تدریجی" و با صدور

قطعنامه های پی در پی در دستور کار قرار داده است و زمینه های این پروسه را

نیز فراهم کرده است . در حالیکه بازرسان آژانس غلظت اورانیوم غنی شده در

ایران را حدود ۳.۵ درصد تعیین کرده اند گزارش کمیته اطلاعاتی کنگره امریکا

در تابستان سال جاری به احتمال وجود اورانیوم با غلظت ۹۰ درصد در ایران

اشاره کرده است.

در صورتیکه تا زمانی که ایران فرآیند غنی سازی اورانیوم را تنها در ابعاد

آزمایشگاهی دنبال می کند به هیچ وجه نمی توان این ادعا را مطرح کرد که

احتمال دستیابی این کشور به بمب اتم یا چیزی شبیه آن وجود دارد. این موضوع بقدری روشن است که گروه بازاها و اشخاصی چون "جان نگرپونته" وزیر امنیت داخلی کابینه بوش نیز تاکنون نتوانسته‌اند از احتمال مداخله نظامی ایالات متحده سخن بگویند و معتقدند که دستیابی کامل ایران به تسلیحات هسته‌ای حداقل در بازه ۱۰ سال آینده غیرممکن است.

در این برهه، اقدامات کنونی و متعاقب ایران نیز به عنوان مخاطب قطعنامه تحریمی پیشنهادی، حائز اهمیت است.

در آستانه ارائه پیش نویس قطعنامه، ایران گازدهی به آبشار دوم سانتریفیوژها را آغاز کرد و این درحالی بود که مدتها قبل آژانس را مطلع کرده بود و بازرسان نیز یک هفته قبل از آن طی بازدید از نطنز از آن مطلع بودند و از طرفی ایران در ماه آوریل سال جاری (فروردین ماه) اعلام کرده بود که تا پایان سال شمسی تعداد سانتریفیوژها را به ۳۰۰۰ دستگاه افزایش

می دهد . ایران قبلاً نیز در زمان ضرب الاجل غرب و در آستانه قطعنامه ۱۶۹۶ نیز در اواخر ماه آگوست ، مجتمع آب سنگین اراک را راه اندازی کرد . این اقدامات ایران قبل از تصویب قطعنامه های تحریمی پیام روشنی را به مصوبین آن مخابره می کند و آن اراده راسخ برای تداوم فعالیتهای صلح آمیز هسته ایش است ، که با ساختار قانونی آژانس و روح NPT منافاتی ندارد ، در صورتیکه توانمندی هسته ایران به مراتب بیشتر از کره شمالی است اما هیچگاه به سمت آزمایشات هسته ای منعطف نشده است .

از طرف دیگر بلافاصله پس از ابتکار PSI و مانور امریکا و متحدانش در آبهای خلیج فارس ، ایران طی مانور پیامبر اعظم ۲ و با آزمایش موشکهای استراتژیک خود پاسخی از هرگونه رفتار غیرعقلانی و افراطی غرب را در قبال خود به نمایش گذاشت .

همانطور که قبلاً اشاره شد، امریکا کمتر از دیگر بانیان اروپایی تحریم ایران متضرر می شود چراکه در طول ۳ دهه گذشته بنوعی تبعات آن برای دوطرف ملموس بوده است اما، ۳ کشور اروپایی پیشنهاد دهنده پیش نویس قطعنامه پیش روی به همراه روسیه و چین از جهات استراتژیک سیاسی و اقتصادی از قبل تحریم ایران متحمل ضررهای بسیاری خصوصاً در حوزه منطقه ای خواهند شد و کشورهای منطقه نیز در صورت همراهی با ایالات متحده از تبعات اقتصادی و ژئوپلتیک آن در امان نخواهند بود.

بدیهی است در صورت اعمال فشار امریکا و تصویب نهایی قطعنامه پیش روی، دولتمردان این کشور دچار "اشتباهات محاسباتی" و تکرار تراژدی دموکراتها در زمان کلینتون که با ارائه بسته ای مشابه به کره شمالی و در پی آن استراتژی ناپخردانه نئوکانهها و اتخاذ سیاست "مشت آهنین" در قبال کره شمالی نهایتاً به خروج این کشور از NPT و اخراج بازرسان آژانس به آزمایش اتمی در سال جاری ختم شد، خواهند شد.

در پایان آنچه حامیان تحریم ایران نباید از نظر دور نگاه دارند اینکه ؛ تجربه

نشان داده است که سیاستهای تحریمی تاکنون در عرصه بین المللی چندان

کارساز نبوده اند و تحریم حتی در خصوص حکومتی مانند حکومت پیشین

عراق و حتی کره شمالی که تفاوت های ساختاری بسیاری با ایران دارند،

چندان مؤثر نبود و همچنین دوران اقدام نظامی و تحریم برای به زانو

در آوردن کشورها گذشته است و در شرایطی که اقتصاد جهانی مانند

"زنجیره ای" به هم متصل شده است تحریم یکجانبه ایران عملی نخواهد بود و

به انزوای بیشتر آنها خواهد انجامید و به مثابه "شیرجه در باتلاق" است !

از طرفی چنانچه اقدامات تنبیهی بر علیه ایران اعمال شود ، ممکن است ایران نیز

پس از شرکت فعال در " ۴ دوره مذاکرات طولانی مدت " و مشاهده

کارشکنیهای متعدد و اشتباه فاحش غرب در ارجاع پرونده هسته ای ایران به

شورای امنیت ، راه کره شمالی را در پیش گرفته و اقدام به خروج کامل از

معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی و محدود کردن همکاریها با آژانس نماید.

در این برهه مسئولان کشور باید توجه داشته باشند که هر چند در داخل کشور

همه از صلح آمیز بودن ادامه برنامه هسته ای اطمینان دارند اما ، در افکار

عمومی جهانی با توجه به تبلیغات صورت گرفته این گونه نیست و ایران با

کشوری چون کره شمالی مقایسه می شود و در این برهه ایران باید از عدم

انسجام کافی اعضای شورای امنیت استفاده کرده و در جهت کند نمودن روند

تصمیم گیری آنها با استفاده از جایگاه منطقه ای و قابلیت های دیپلماتیک خود

تلاش کند ، چراکه قطع مذاکرات و عدم استفاده از امکانات دیپلماتیک کاملاً در

جهت منافع آمریکاست.